Archive of SID.ir

الگوی تمکین زکات در آموزه‌های اسلامی در مقایسه با الگوی اقتصادی تمکین مالیاتی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۳۰

وحید مقدم*

چکیده

پژوهش حاضر به منظور مقایسه الگوی تمکین زکات در اسلام و الگوی اقتصادی تمکین مالیاتی، به روش تطبیقی ـ تحلیلی صورت می‌گیرد؛ بدین ترتیب که آموزه‌های ناظر به تمکین زکات از آیات و روایات مربوطه استخراج و به کمک الگوهای اقتصادی تمکین مالیات و توسعه‌های آن در طول زمان دسته‌بندی می‌شوند و دلالت‌های آن در زمینه تمکین زکات استخراج و درنهایت دو الگو با یکدیگر مقایسه می‌شوند. عوامل اقتصادی مؤثر بر تمکین مالیاتی در دو دسته نئوکلاسیکی –مبتنی بر منفعت‌طلب بودن انسان– و رفتاری –مانند انصاف، مقابله به مثل و ترغیب اخلاقی– جای می‌گیرند. یافته‌ها نشان می دهد الگوی تمکین زکات علاوه بر این دو دسته متغیر از متغیرهای دیگری مانند هویت اسلامی، حسابداری ذهنی و وعده پاداش‌ها و مجازات‌های معنوی نیز بهره می‌برد که در الگوی اقتصادی یا وجود ندارد یا به گونه متفاوتی استفاده می‌شود. تفاوت دیگر آنکه الگوی اقتصادی با مبناقراردادن انسان اقتصادی به محاسبه مقدار بهینه متغیرهایی چون مجازات و حسابرسی می‌پردازد و سپس از عوامل رفتاری برای زدن تلنگر و افزایش تمکین استفاده می‌شود. اما در نظام زکات بالعکس، بیشترین اهمیت به کرامت انسان مسلمان و انگیزه‌های درونی و سپس فضایل انسانی (متغیرهای رفتاری) وی داده می شود و کمترین توجه به عوامل نئوکلاسیکی است. بر این اساس هر سیاست ترویج زکات باید بیشترین تکیه خود را بر ایمان افراد و آثار مثبت زکات بر پاکی روح و مال فرد، سپس بر فضایل انسانی همچون کمک به فقرا و درنهایت بر مشوق‌ها و مجازات‌های مادی قرار دهد.

واژگان کلیدی: *تمکین زکات، تمکین مالیاتی، اقتصاد نئوکلاسیک، اقتصاد رفتاری، کرامت انسانی.*

*. استادیار گروه معارف اهل البیت علیهم‌السلام دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول).

Email: v.moghadam@ahl.ui.ac.ir.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

طبقه‌بندی JEL: H20، H26، Z12.

مقدمه

زکات به عنوان یکی از فروع دین، از منابع مهم مالی دولت‌های اسلامی به شمار می‌آید؛ چراکه بیشترین مصارف آن مربوط به فقرزدایی است (توبه: ٦٠). در عین حال از جمله عبادات محسوب می‌شود (محقق حلی، ١٤٠٩ق) که در آن داشتن قصد قربت برای حصول به نتایج اخروی لازم است. در قرآن کریم دادن زکات در کنار اقامه نماز به عنوان نشانه ایمان به خدا و روز رستاخیز (حج: ٤١) و موجب قوام دین (بینه: ٥) شمرده شده است. طبق برخی روایات زکات در کنار نماز، روزه، حج و جهاد از ارکان پنج‌گانه اسلام به شمار می‌آید (کلینی، ١٣٧٢، ج٤، ص٧٠). روشن‌ترین آیه تشریع زکات آیه «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً» (توبه: ١٠٣) است (روحانی، ١٤١٣ق، ج٧، ص٩) که در ماه رمضان نازل گردید و پیامبر احکام آن را برای مسلمانان بیان نمود. یک سال پس از آن ایشان بعد از افطار اعلام کرد: «ای مسلمانان زکات بدهید تا اعمالتان قبول شود». سپس مأموران و کارگزارانی را برای جمع‌آوری زکات به میان مردم اعزام فرمود (حر عاملی، ١٤١٤ق، ج٩، ص٩).

دولت‌های مدرن نیز برای تدارک امکانات عمومی، اجتماعی و زیرساختی به درآمد ثابت و پایدار نیاز دارند که عمده آن از طریق مالیات‌های پولی اجباری وضع‌شده بر افراد و شرکت‌های واجد شرایط (مؤدیان مالیاتی) جمع‌آوری می‌شود. بدین علت دولت‌ها علاقه زیادی دارند تا بتوانند با کمترین هزینه بیشترین مالیات را جمع‌آوری کنند؛ لذا مطالعات بسیاری در مورد مدل‌های تصمیم‌گیری مالیاتی و عوامل تأثیرگذار بر تمکین مالیاتی، تصمیم مؤدیان در انجام تکالیف و تعهدات مالیاتی خود با هدف پرداخت به موقع و دقیق مالیات (صامتی و همکاران، ١٣٩٤، ص٢٣٣) انجام شده است. تمکین مالیاتی مفهومی چندرشته‌ای است که رشته‌های مختلفی از جمله جامعه‌شناسی، حساب‌داری و روان‌شناسی را در بر می گیرد. دانش اقتصاد نیز با بهره‌گرفتن از فروض خود در مورد انسان اقتصادی تلاش نموده است تا عوامل مؤثر بر تمکین را مدل‌سازی کند.

طبق رویکرد اقتصاد نئوکلاسیکی، انسان اقتصادی منفعت‌طلب در اصل تمایلی به پرداخت مالیات ندارد و تمایل دارد از مشارکت دیگران در تدارک کالاهای عمومی یا تأمین مالی آن

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

رایگان بهره‌مند شود. اما از آنجا که این کار هزینه دارد –به واسطه مجازات‌های مادی یا اجتماعی– طبق الگوی منفعت‌طلبی مالی (Financial self-interest model)(Becker, 1968) برای عقلانی‌بودن فعل (حداکثرسازی مطلوبیت) لازم است هزینه‌های فرار را با منافع آن متوازن سازد (Alm, 1999) و هرچه ضمانت اجرای عدم فرار افزایش یابد، منافع آن کاهش می‌یابد؛ لذا پیش‌بینی اقتصاد نئوکلاسیک آن است که برای افزایش تمکین مالیاتی (Tax compliance) باید افراد را از طرقی چون افزایش احتمال ممیزی اظهارنامه‌های مالیاتی یا افزایش میزان مجازات فرار، مجبور به پرداخت مالیات کرد. با این وجود مطالعات نشان می دهد سطح مشاهده‌شده تمکین مالیاتی بیشتر از پیش‌بینی نظریه نئوکلاسیکی است (Andreoni et al, 1998/ Alm et al, 1992). بنابراین به جز عامل اجبار باید به دنبال دیگر عوامل افزایش‌دهنده تمکین بود.

یکی دیگر از رویکردهای مورد استفاده در مطالعه تمکین، اقتصاد رفتاری است که امکان مطالعه انگیزه‌های غیرمنفعت‌طلبانه را فراهم می‌کند. انسان اقتصادی نئوکلاسیکی مانند یک ربات دارای قدرت بدون انتهای جمع‌آوری و پردازش اطلاعات است که در اخذ تصمیمات، بدون توجه به منافع دیگران تنها به دنبال حداکثرسازی منافع خویش است؛ اما انسان واقعی توان جمع‌آوری و پردازش همه اطلاعات لازم را ندارد؛ همچنین در رسیدن به خواسته‌های خود اراده کافی ندارد و به دیگران نیز اهمیت می‌دهد. به طور خلاصه تحت تأثیر عوامل شناختی، اجتماعی و روان‌شناختی قرار دارد (Congdon at al, 2011).

با توجه به عبادی‌بودن زکات و عدم پیش‌بینی مجازات مادی زیاد برای مانع آن (کسی که از ادای زکات استنکاف می‌کند) در فقه شیعه –به جز امکان تعزیر طبق قاعده «التعزیر لکل عمل محرّم» که بیان‌کننده اجازه مجازات دنیوی برای اعمال حرام توسط حاکم است (محقق داماد، ۱٤۰٦ق، ج٤، ص٤۰)– پیش‌بینی نظریه نئوکلاسیک آن است که تمکین زکات بسیار اندک خواهد بود؛ در حالی که در صدر اسلام دادن زکات یک هنجار اجتماعی رایج بوده است؛ لذا مشابه مالیات رایج، رویکرد اقتصاد رفتاری در کنار نئوکلاسیکی برای مطالعه ابعاد مختلف تمکین زکات (zakat compliance) قابل بهره‌برداری است.

سؤال اصلی مقاله حاضر آن است که آیا الگوی اسلامی تمکین زکات متفاوت از الگوی تمکین مالیاتی اقتصادی است یا مشابه آن است. برای این منظور تلاش می‌شود انگیزه‌های

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

دخیل در الگوی اسلامی از آیات و روایات استخراج و دسته‌بندی شده، با انگیزه‌های الگوی اقتصادی تمکین مالیات مقایسه و به سؤال مقاله پاسخ داده شود. مقاله در بخش‌های زیر سامان یافته است. ابتدا پیشینه تحقیق بیان می‌شود. پس از آن عوامل مؤثر بر تمکین طبق نظریه اقتصادی رایج و سپس عوامل مبتنی بر اقتصاد رفتاری بیان می‌شود. در مورد هر عامل ابتدا توضیح الگوی تمکین مالیاتی اقتصادی بیان شده و سپس متناظر آن از آیات و روایات راجع به زکات احصا می‌شود. بخش چهارم مقاله به توضیح عواملی اختصاص دارد که در الگوی رایج وجود نداشته، عمدتاً ویژه الگوی اسلامی است. بخش آخر مقاله، جمع‌بندی و نتیجه‌گیری، به مقایسه این دو الگو پرداخته، دلالت‌های الگوی اسلامی برای ترویج زکات را بیان می‌کند.

پیشینه تحقیق

مطالعات داخلی زیادی در مورد زکات صورت گرفته است؛ اما سهم انگیزه‌های مؤدیان زکات و نحوه مدیریت آنها ناچیز است. *توکلی* (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «انگیزش و تربیت اخلاقی در نظام مالیاتی اسلام» به بررسی استفاده از سیاست‌های کنترلی و تشویقی و تنبیهی متعارف در سیاست‌گذاری مالیاتی می‌پردازد. وی برای ورود از زاویه اخلاق مالیاتی، ابتدا انگیزه پرداخت مالیات‌های اسلامی را به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم کرده، نشان می‌دهد سیاست‌های کنترلی از طریق کاهش حس اعتماد و سیاست‌های تشویقی و تنبیهی مالی از طریق تغییر ذهنیت نسبت به بازار مبادله بر اخلاق مالیاتی اثر منفی گذاشته، موجب تخلیه انگیزه درونی می‌شوند. وی نتیجه می‌گیرد تخلیه این انگیزه مورد توجه شارع مقدس بوده و لذا پرداخت خمس و زکات عمدتاً داوطلبانه است تا بتواند آثار تربیتی مورد نظر اسلام را به بار آورد. این مقاله مرتبط‌ترین اثر با مطالعه حاضر است؛ اما تفاوت‌های اساسی نیز دارد. مقاله حاضر به کمک انواع انگیزه‌های پرداخت مالیات در اقتصاد تلاش می‌کند انواع انگیزه‌ها در الگوی اسلامی را شناسایی کرده، علاوه بر شباهت‌ها، تفاوت‌های تمکین زکات با الگوی اقتصادی تمکین مالیات را با دسته‌بندی انواع انگیزه‌ها در اسلام –مثلاً نئوکلاسیکی، رفتاری و معنوی– نشان دهد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

بحرینی و *عیسوی* (۱۳۹٤) در مقاله‌ای با عنوان «مبانی نظری و اصول اخذ مالیات در اسلام و جایگاه آن در تشکیل نظام مالیاتی نوین» به روش تحلیلی- توصیفی به دنبال استخراج اصول نظری و مالیاتی اسلام برای شکل‌دهی و اجرای نظام مالیات‌ستانی شرعی و حکومتی هستند. آنها برخی از اصول اخلاقی نظام درآمد عمومی اسلامی در برخورد با مؤدیان را به صورت زیر برمی‌شمارند: رعایت اعتماد عمومی؛ اغماض، تغافل و تسامح عمومی؛ برخورد کریمانه؛ ترویج روحیه انفاق در پرداخت و حرص‌نزدن در جمع‌آوری وجوه و رعایت عدالت مالیاتی.

در مورد پیشینه خارجی هرچند اصطلاح تمکین زکات در ادبیات مالیات‌پژوهی اسلامی کاملاً رایج است، عمده آنها تجربی بوده و مطالعات مفهومی نیز از زاویه غیر اقتصادی به موضوع پرداخته‌اند. شاید یک دلیل نپرداختن به بحث انگیزه‌ها، اجباری‌بودن پرداخت زکات در برخی کشورهای اسلامی است.

عوامل مؤثر بر تمکین طبق نظریه اقتصادی رایج

در این بخش عوامل تأثیرگذار بر تمکین مالیات طبق نظریه اقتصاد رایج بررسی می‌شوند که عبارت‌اند از الگوهای رایج مالیات‌ستانی، اطلاعات شخص ثالث، طراحی پاداش برای مؤدیان خوش‌حساب، ارائه مشوق به کارگزاران و یادگیری که به ترتیب بررسی می‌شوند.

مدل‌های رایج مالیات‌ستانی

متداول‌ترین چارچوب مورد استفاده برای تحلیل پدیده فرار از مالیات بر درآمد از آن *آلینگهام* و *ساندمو* (Allingham & Sandmo, 1972) است که با اقتباس از ادبیات اقتصاد جرم و جنایت (Becker, 1968)، این پدیده را در چارچوب انتخاب سبد دارایی بهینه تحلیل می کنند. در این مدل فرض می‌شود مؤدیان همگن و خودخواه و به دنبال حدکثرسازی دارایی پولی خود هستند و از بین دو سبد ایمن (اعلام صادقانه درآمد و پرداخت کامل بدهی مالیاتی خود) و سبد مخاطره‌آمیز (فرار مالیاتی به وسیله کم‌گزارشی درآمد) دست به انتخاب می‌زنند. درآمد مؤدیان تنها در صورت حسابرسی قابل مشاهده است. این مدل توسط *یتزاکی* (Yitzhaki, 1974) توسعه یافت و امکان تحلیل آثار تغییر در احتمال به‌دام‌افتادن، نرخ جریمه و نرخ مالیات را فراهم می‌کند. جدول ۱ نشان می‌دهد افزایش احتمال شناسایی و افزایش

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نرخ جریمه، عایدی انتظاری از فرار مالیاتی را کاهش می‌دهد و بنابراین جذابیت تقلب را نسبتاً کمتر می‌کند. در مورد تغییر در نرخ مالیات، پیش‌بینی‌ها تا حدودی ضدشهودی‌اند؛ زیرا طبق مدل، نرخ مالیات بالاتر منجر به تمکین مالیاتی بالاتر می‌شود.

جدول ۱. پیش‌بینی‌های الگوی تمکین مالیاتی آلینگهام-ساندمو-یتزاکی

متغیر	پیش‌بینی
نرخ مالیات	دارای همبستگی مثبت با تمکین با فرض ریسک‌گریزی مطلق کاهنده: برای مالیات دهنده‌ای با ریسک‌گریزی مطلق کاهنده، نرخ مالیات بالاتر، درآمد خالص ایمن را در زمان تمکین کاهش می‌دهد. بنابراین مؤدیان تمایل کمتری به پذیرش ریسک دارند و تمکین مالیاتی افزایش می‌یابد.
درآمد ناخالص	دارای همبستگی منفی با تمکین با فرض ریسک‌گریزی مطلق کاهنده.
احتمال حسابرسی	دارای همبستگی مثبت با تمکین: احتمال حسابرسی بالاتر، عایدی انتظاری از فرار مالیاتی را کاهش می‌دهد.
نرخ جریمه	دارای همبستگی مثبت با تمکین: نرخ جریمه بالاتر، عایدی انتظاری از فرار مالیاتی را کاهش می‌دهد.

با وجود نقدهای وارده به این مدل- که در ادامه خواهیم دید- داشتن فروض ساده و پیش‌بینی‌های نسبتاً ساده و واضح از مزیت‌های آن است. در عین حال نحوه تأثیر ترکیب آنها بر تمکین پیچیده و نیازمند مطالعات تجربی است؛ مثلاً *اسپایسر* و *توماس* (Spicer & Thomas, 1982) نشان می‌دهند زمانی که اطلاعات مربوط به حسابرسی در دسترس است، افزایش احتمال حسابرسی تنها بر تصمیم به فرار تأثیر می‌گذارد نه بر میزان آن.

ارزیابی مدل اقتصاد رایج در مورد زکات: نرخ زکات در اسلام اهمیت اساسی دارد و به نسبت نرخ‌های رایج در مالیات مدرن پایین‌تر است. به علاوه دارای معافیت مالیاتی به نام نصاب نیز هست که کمتر از آن بر فرد واجب نمی‌شود؛ مثلاً تا تعداد گوسفند به ٤٠ رأس نرسیده باشد، مالک از پرداخت زکات معاف است. نرخ زکات در حداکثر خود در زراعت با آبیاری با آب‌های طبیعی برابر با ۱۰ درصد و در زراعت آبی برابر با ۵ درصد است که نشان می‌دهد نرخ زکات با تلاش فرد رابطه عکس دارد. در نقدین (سکه‌های طلای و نقره رایج)

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نرخ زکات پس از رسیدن به حد نصاب ثابت و برابر با ۲,۵ درصد سالانه است. در دامداری نیز این نرخ حدوداً ۲,۵ درصد است؛ مثلاً نصاب دوم گاو برابر با یک رأس گوساله حداقل ۲ ساله برای ٤٠ رأس گاو است. نصاب اول گوسفند نیز یک رأس گوسفند به ازای ٤٠ رأس است. در کنار پایین‌بودن نرخ زکات، برخی اوقات این نرخ کاهنده نیز هست. جدول ۲ نشان دهنده کاهندگی نرخ زکات گوسفند است.

جدول ۲. نرخ زکات برای نصاب‌های مختلف گوسفند

	نصاب				
	اول	دوم	سوم	چهارم	پنجم
تعداد گوسفند	٤٠	۱۲۱	۲۰۱	۳۰۱	٤۰۰
مقدار زکات	۱	۲	۳	٤	۱ رأس به ازای هر ۱۰۰ رأس اضافه
نرخ زکات (درصد)	۲,۵	۱,٦۵	۱,۵	۱,۳۳	۱

منبع: محاسبه نویسنده

در اسلام حسابرسی زکات چندان رایج نیست. در نامه حضرت امیرالمؤمنین به کارگزاران زکات آمده است که اگر فردی اعلام کند زکات به وی تعلق نمی‌گیرد، قولش مسموع است. در عین حال اگر حاکم اسلامی یقین پیدا کند که فردی زکات خود را نمی‌پردازد، می‌تواند نسبت به استیفای حقوق مستحقین زکات اقدام کند (مدرسی، ۱۳۸۱، ص۵۰۸). مجازات مادی خاصی برای مانعین زکات در آیات و روایات پیش‌بینی نشده است؛ اما از آنجا که ندادن زکات حرام است، طبق قاعده «التعزیر لکل عمل محرّم» (محقق داماد، ۱٤۰٦ق، ج٤، ص٤۰)، حاکم می‌تواند در صورت صلاحدید، نسبت به تعزیر متخلفان اقدام کند. گزارشی از مجازات اجتماعی در سیره نبوی وجود دارد که طبق آن ایشان ۵ نفر از مانعین زکات را در انظار مردم از مسجد اخراج فرمودند (بروجردی، ۱۳۸۰ق، ج۸، ص۷). از نظر مجلسی اول (مجلسی (محمدتقی) ۱٤۱٤ق، ج۵، ص٤۵۸)، «ظاهراً این اخراج تعزیر ایشان بود و تعزیر برای نبی و امام است و خفتی اعظم ازین نمی‌باشد که جمعی را به این عنوان از مسجد بیرون کنند و انگشت‌نما شوند».

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پاداش‌های مثبت

بر خلاف مجازات، درنظرگرفتن پاداش برای مؤدیان موجب به‌حرکت‌درآمدن منفعت‌طلبی شخصی آنان می‌شود که می‌تواند طراحی‌های متنوعی داشته باشد؛ مثلاً یک نمونه پاداش می تواند اعلام تمکین‌کنندگان در سایت‌ها یا روزنامه‌های محلی باشد. حسن شهرت برای برخی افراد می‌تواند موجب بهبود کسب و کار شود. در عین حال این کار ممکن است باعث تضعیف انگیزه‌های درونی افرادی شود که تنها از روی وظیفه اخلاقی مالیات خود را پرداخت می‌کنند ولذا موجب بروز پدیده تخلیه انگیزشی شود که عمده آن در زمان ارائه مجازات‌ها و پاداش‌های پولی رخ می‌دهد (مثلاً Frey & Jegen, 2001). روش دیگر پاداش‌دهی می‌تواند استفاده از قرعه‌کشی باشد؛ مثلاً به طور تصادفی به افراد دارای تمکین کامل در سال مالی گذشته، یک سال معافیت مالیاتی ارائه شود. سپس اثر این پاداش بر تمکین مؤدیان در سال‌های بعد سنجیده می‌شود (برای نمونه Dunning et al, 2016). انتظار می‌رود این پاداش غیر نقدی کمتر موجب تخلیه انگیزشی شود.

در نظام مالیاتی زکات هیچ نوع پاداش مادی برای زکات‌دهنده دیده نشده است؛ مثلاً اینکه اگر فردی چندین سال زکات خود را بپردازد، یک سال معاف شود؛ اما برای نگهداری غلات در مقابل نقدین پاداش وجود دارد؛ چراکه غلاتی که زکات آن پرداخت شده، در صورت نگهداری چندساله دیگر معاف‌اند؛ اما در مورد نقدین این معافیت وجود ندارد و هرساله باید زکات آن پرداخت شود. این کاهندگی می‌تواند موجب تشویق فرد به تلاش بیشتر و تبدیل ثروت خود در قالب مسکوکات به ثروت‌های مولد –مانند کشاورزی یا زراعت– شود.

اطلاعات و گزارش‌های اشخاص ثالث

بین ادارات مالیاتی و مؤدیان مالیاتی عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد که تلاش می‌شود به وسیله سنجش صداقت مؤدیان در اظهار درآمدهای خود از طریق اطلاعات اشخاص ثالث (در صورت وجود) کاهش داده شود. این کاهش می‌تواند به کارآمدی بیشتر نظام مالیاتی از طریق افزایش تمکین کمک نماید؛ مثلاً کسانی که برای دیگران کار می‌کنند و مالیات بر درآمد خود را شخصاً می‌پردازند، ممکن است حتی با وجود قصد تقلب، امکان این کار به‌سادگی

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

برایشان فراهم نباشد؛ زیرا مقامات می‌توانند به‌راحتی هر گونه انحراف را با مقایسه گزارش‌های اطلاعاتی با اظهارنامه مالیاتی فرد کشف کنند؛ لذا انتظار می‌رود فرار مالیاتی در گروهی از افراد که در معرض گزارش شخص ثالث‌اند، در مقایسه با خوداظهاری صرف پایین‌تر باشد (برای مثال: Kleven et al, 2011). در محیط‌ها یا کشورهایی که صحت‌سنجی اطلاعات شخص ثالث به دلیل زیرساخت‌های اطلاعاتی ضعیف تر، آسان نیست، این عامل نقش ضعیف‌تری بازی کند. درنتیجه استفاده مؤثرتر از اطلاعات و فناوری اطلاعات می‌تواند برای مدیریت درآمد در کشورهای کم‌درآمد مفید باشد.

با توجه به عبادی‌بودن زکات، نظام مالیاتی اسلام به گونه‌ای طراحی شده که افراد در اصل با میل و رغبت زکات خود را بپردازند؛ لذا در آن اصل بر اعتماد به زکات‌دهنده در خوداظهاری است. به همین دلیل در نامه امیرالمؤمنین به کارگزار زکات خود آمده که وی از مردم در مورد تعلق زکات به اموالشان سؤال کند و گفته آنها را نیز بپذیرد و حتی برای اطمینان‌یافتن نیز از مراجعه دوباره به آنها بپرهیزد. تنها در صورتی که شواهدی بر دروغ‌گویی وی وجود داشته باشد، تفحص و جست‌وجو بلااشکال است و اگر عدم تفحص موجب تباه شدن حق مستحقین زکات شود، این کار واجب می‌شود (مدرسی، ۱۳۸۱، ص۵۰۸).

با توسعه پایگاه‌های اطلاعاتی در دهه‌های اخیر –مثلاً شناسنامه‌دارشدن چهارپایانی همچون شتر یا گاو یا آگاهی از میزان زمین کشاورزان و نوع زراعت آنان و...) امکان شناسایی متخلفان بالقوه با هزینه‌های پایین‌تر وجود دارد. هرچند امکان این کار به معنای داشتن مجوز شرعی نیست و نیازمند پژوهش فقهی است.

مشوق‌های مأموران مالیاتی

ادارات مالیاتی از دیرباز با فساد گسترده روبه رو بوده‌اند. مؤدیان مالیاتی می‌توانند با تماس با جمع‌آوری‌کنندگان مالیات و ارائه رشوه، آنها را به تأیید اظهارنامه‌های نادرست وسوسه کنند. برای مبارزه با این مشکل، مقامات مالیاتی ممکن است مشوق‌هایی را به مأموران ارائه دهند تا میزان نشت درآمد به فساد را به حداقل برسانند؛ مثلا به آنها اجازه دهند بخشی از درآمدهای مالیاتی را به عنوان پاداش دریافت کنند و درنتیجه درآمد خود را افزایش دهند. در کشورهای با درآمد پایین این مشوق های پولی می‌تواند بسیار قابل توجه باشد. اما پیامد

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

نامطلوب این روش می‌تواند تشویق مأموران به استفاده از روش‌های تهاجمی و اجباری برای افزایش مالیات باشد که خود می‌تواند موجب کاهش تمکین شود (Fjeldstad & Semboja, 2001). یک روش برای جبران این نقیصه می‌تواند ارائه مشوق بر حسب ترکیبی از میزان درآمد مالیاتی جمع‌آوری‌شده توسط مأمور و رضایت مؤدیان از عملکرد وی باشد (Khan et al, 2016).

همچنان‌که در مؤدی زکات اصل بر اعتماد به خوداظهاری است و از آنجا که زکات باید با قصد قربت پرداخت شود (مدرسی، ۱۳۸۱، ص۵۰۶)، دادن رشوه به مأموران نباید وجهی داشته باشد –در غیر این صورت نشان از استقرار نادرست نظام زکات دارد؛ لذا در مورد آنان نیز اصل بر پاک‌دستی آنان در اخذ زکات و رساندن آن به بیت‌المال است. در عین حال طبق تصریح آیه زکات، سومین سهم از مصارف زکات به خود عاملان می‌رسد تا تلاش آنان بدون پاسخ نماند. در عین حال در فقه متولیان باید دارای صفات بلوغ، عقل، ایمان، عدالت، آزادی و دانستن احکام مربوط به کار خود باشند. در مورد سایر کارگزارانی که زیر نظر متولی کار می‌کنند، داشتن این شروط واجب نیست، اما مستحب است (همان، ص۵۰۲).

اثر یادگیری

این بحث به پایداری درمان‌ها مربوط می‌شود؛ مثلاً اگر فردی به علت عدم تمکین جریمه شود، آیا موجب تمکین بیشتر وی در سال‌های آینده می‌شود؟ یعنی یک درمان فوری آیا اثرات درازمدت هم دارد یا خیر؟ آزمایش‌های میدانی نوعاً اثرات فوری درمان‌ها را ارزیابی می‌کنند؛ زیرا مشاهده اثرات درازمدت زمان می‌برد. اما برای سیاست‌گذاری مهم است که بدانیم آیا مؤدیان از چنین ملاحظاتی درس می‌گیرند یا خیر. اگر پاسخ مثبت باشد، می‌توان مداخله‌های بعدی را به سمت مؤدیان جدید سوق داد. روشن است که یادگیری تنها از طریق مقامات رسمی مانند ادارات مالیاتی اتفاق نمی‌افتد؛ مثلاً شبکه‌های خانوادگی کانال مهمی برای انتقال اطلاعات در مورد نظام‌های مالیاتی‌اند (Alstadsaeter et al, 2014). مشابه آنها شبکه‌های کسب و کار، دوستان و همسایگان‌اند. استفاده از ظرفیت چنین شبکه‌هایی می‌تواند هزینه‌های نظام مالیاتی در آموزش را کاهش دهد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

از آنجا که نظام مالیاتی زکات عمدتاً روی انگیزه‌های درونی تکیه می‌کند، جریمه خاصی وجود ندارد که بخواهد از آن مسیر ایجاد یادگیری نماید. اما نوع دیگری از یادگیری می‌تواند از طریق آموزش‌دادن مشوق‌های معنوی مثبت و منفی زکات رخ دهد؛ مثلاً ممکن است کشاورز یا دامدار از احکام یا پاداش‌ها و مجازات‌های معنوی زکات که در قرآن و روایات آمده، آگاهی نداشته باشد. در این صورت اگر به واسطه آموختن آنها به دادن زکات اقدام نماید، به واسطه داشتن مجراهای ارتباطی با سایرین می‌تواند موجب آموختن آنها به دیگران و افزایش تمکین آنها شود. البته در صدر اسلام به واسطه اهمیت بسیار حکومت به زکات، بهانهٔ ندانستن احکام زکات از کسی پذیرفته نبود؛ در حالی که امروزه به واسطه نرخ بالاتر مالیات‌های رایج، زکات تا حد زیادی به حاشیه رانده شده است. به علاوه سؤالات فقهی راجع به نسبت بین مالیات‌های رایج با مالیات‌های اسلامی هنوز کاملاً حل و فصل نشده است.

عوامل مبتنی بر اقتصاد رفتاری

در این بخش عوامل رفتاری مؤثر بر تمکین مالیاتی شرح داده می‌شوند. ابتدا انتقادهای وارده به مدل *آلینگهام-ساندمو-یتزاکی* شرح‌داده‌شده در بخش قبل بیان شده و سپس برخی عوامل رفتاری مؤثر بر تمکین مالیاتی بیان می‌شوند.

نقدهای وارده به مدل آلینگهام-ساندمو-یتزاکی

این الگو از چند جهت مورد نقد قرار گرفته که یکی از آنها ناظر به ساده‌سازی‌های جهان واقعی است؛ مثلاً عدم اطمینان در مورد احتمال واقعی حسابرسی یا مجازات‌های شدید، مانند حبس، در مدل وارده نشده است. نقد دیگر تفاوت انسان نئوکلاسیکی مفروض مدل نسبت به انسان واقعی است که موجب ورود اقتصاد رفتاری به دایره تحلیل می‌شود. تمکین مالیاتی دارای جنبه‌های بسیار متنوعی است که موجب شده از زوایای گوناگون توسط آزمایش‌های اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. در ذیل فقط به برخی جنبه‌ها اشاره می‌کنیم.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

وجود سوگیری شناختی در انتقال پیام‌های مالیاتی

فارغ از تأثیراتی که محتوای پیام مالیاتی می‌تواند داشته باشد، پاسخ به پرسش از مؤثرترین راه برای انتقال پیام‌های مالیاتی نیز مهم است. ادارات مالیاتی می‌توانند با روش‌های مختلف از جمله نامه رسمی، پیامک، ای‌میل، تماس تلفنی یا بازدید شخصی با مؤدیان تماس بگیرند. مطالعات تجربی زیادی انجام شده تا تأثیر روش‌های مختلف بر تمکین مالیاتی را اندازه بگیرد؛ مثلاً *اورتگا* و *اسکارتاچینی* (Ortega & Scartascini, 2016a & 2016b) یک پیام مشترک مالیاتی را که در آن مانده حساب مؤدیان و سایر جزئیات مالیات پرداخت‌نشده آنان به همراه تأکید بر عواقب عدم پرداخت و جریمه‌ها متذکر می‌شد، به دو روش بازدید شخصی بازرسان مالیاتی و تماس تلفنی به مؤدیان منتقل کردند. نتایج نشان داد هر دو روش در تشویق به پرداخت مالیات‌های معوقه مؤثرند؛ اما بازدید شخصی تأثیر بسیار بالاتری دارد. یک توضیح برای این پدیده آن است که تماس چهره به چهره با یک مأمور، احتمال حسابرسی درک‌شده را افزایش می‌دهد (Konrad et al, 2012) که از جمله سوگیری‌های شناختی است.

طبق روایات، پیامبر اکرم و حضرت امیرالمؤمنین هر دو مأموران مالیاتی خود را برای انتقال پیام مالیاتی به صورت چهره به چهره اعزام می‌فرمودند و هیچ روایتی دیده نشد که مؤدیان به مراکز جمع‌آوری زکات فراخوانده شده باشند. حضرت امیر در دستورالعمل خود به کارگزار زکات (نهج‌البلاغه، نامه ۲۵)، وی را موظف می‌کنند هنگام ورود بر هر آبادی، در محل آب (چشمه، چاه آب و...) حاضر شده و با صدای بلند مأموریت خود را به اطلاع همگان برساند (دشتی، ۱۳۸۰، ص۵۰۵) که شاید در کنار اهمیت مواجهه چهره به چهره مأموران مالیاتی با مردم، اشاره به این داشته باشد که بهتر است مراجعه در محل اشتغال فرد (موضوع زکات) باشد نه محل عبادت وی. قاعدتاً بررسی این فرضیه نیازمند ترتیب‌دادن آزمایش‌های اقتصادی است.

هزینه‌های روانی عدم تمکین (ترس از شرم‌ساری و گرفتارشدن)

یکی از عواملی که موجب افزایش تمکین شود، آن است که به مالیات‌دهندگان نشان دهیم پرداخت مالیات یک هنجار اجتماعی است؛ یعنی تعداد زیادی از مردم به آن مبادرت می‌کنند. در این حالت هزینه‌های روانی مرتبط با فرار مالیاتی از جمله ترس از گیرافتادن یا شرم‌ساری

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

یا متهم به خیانت شدن از سوی دیگران می‌تواند عامل تأثیرگذاری باشد که افراد را از تقلب باز دارد (Hashimzade et al, 2012, pp.23-4). *کوریسلی* و همکاران (Coricelli et al, 2010) در یک آزمایش نشان می‌دهند شرم‌ساری عمومی در صورتی که متقلبان فوراً در جمعیت اصلی ملحق شوند، در مقایسه با وضعیتی که به متقلبان نشان ننگ زده می‌شود، می تواند عدم تمکین را کاهش دهد.

از آنجا که زکات جزو ارکان دین و ادای آن شرط قبولی نماز شمرده می‌شود، پس از تشکیل حکومت اسلامی در صدر اسلام به صورت هنجار اجتماعی در آمد. اگر در حال حاضر این گونه نیست، شاید به رابطه ارباب–رعیتی عمدتاً ظالمانه در الگوی کشت اراضی در سابق باز می‌گردد که تا حدود چند دهه قبل نیز همچنان برقرار بود. در کنار عامل ناآگاهی احتمالی رعیت از احکام زکات، اولاً سهم رعیت اندک بود؛ ثانیاً همین سهم اندک هم مورد طمع مأموران حکومتی قرار داشت؛ لذا رعیت تا حد زیادی مجبور به پنهان‌کاری مقدار محصول خود بود و دادن زکات موجب آشکارشدن آن می‌شد. بنابراین به نظر می‌رسد امروزه استفاده از عامل هنجار اجتماعی برای ترویج زکات چندان قابل استفاده نباشد.

انصاف

انصاف و برابری بر ویژگی مقابله به مثل مؤدیان تکیه می‌کند. *هاشم‌زاده* و همکاران (Hashimzade et al, 2012, p.29) با ایجاد تمایز بین دو مفهوم از انصاف بر تأثیر آن بر تمکین مالیات تأکید می‌کنند: انصاف در برابر دولت (مبادله مالی) و انصاف در برابر سایر مالیات‌دهندگان. مبادله مالی شناسایی‌شده توسط *لوتمر* و *سینگال* (Luttmer & Singhal, 2014) به این فرضیه اشاره دارد که مالیات‌دهندگان برای قدردانی از کالاها و خدمات عمومی که دولت در عوض مالیات به آنها ارائه می‌دهد، به پرداخت مالیات اقدام می‌کنند. اگر خدمات دولتی و کالاهای ارائه‌شده عمومی کیفیت پایینی داشته باشند، مالیات‌دهندگان ممکن است پرداخت مالیات را غیرمنصفانه تلقی کنند. پیداست که این سازوکار برای مالیات‌دهندگان محلی –مانند شهرداری‌ها– باید بیشتر از مالیات‌های ملی عمل کند؛ چون برجستگی بیشتری برای فرد دارد. برای اثرگذاربودن این سازوکار باید فهرست برخی کالاهای مشخص را که مالیات پرداختی فرد در سال مالی گذشته در تدارک آنها نقش داشته است، برای وی برجسته

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

کنیم. برای تخمین اثر این عامل بر تمکین به مطالعات تجربی نیاز است. این اثر وقتی افزایش می‌یابد که مؤدیان در تصمیم در مورد اینکه درآمدهای مالیاتی در چه پروژه‌هایی هزینه شود، نیز مشارکت داده شوند (برای نمونه: Alm et al, 1993). واضح است که ارتباط بین مالیات پرداختی و کالاهای عمومی به کیفیت حکمرانی مانند میزان پاسخ‌گویی، حاکمیت قانون و کنترل فساد بستگی دارد و هرچه دولتی در انظار عمومی ضعیف تر تلقی شود، نرخ تمکین پایین‌تر خواهد بود (Cummings et al, 2009)؛ لذا انتظار می‌رود در کشورهای کم‌درآمد که عموماً دارای سطح پایینی از کالاها و خدمات عمومی –هم از نظر کمی و هم کیفی–اند، اهرم مبادله مالی نقش کمتری در افزایش تمکین مالیاتی ایفا کند. برداشت دوم از انصاف مربوط به مقایسه بین مالیات‌هاست. اگر پرداخت‌های مالیاتی از مالیات‌دهنده‌ای به مالیات‌دهنده دیگر بسیار متفاوت باشد، افرادی که ملزم به پرداخت سهم‌های بزرگ‌ترند، ممکن است آن را غیرمنصفانه تلقی کنند.

کاربرد مبادله مالی در ناظم مالیاتی زکات هم دیده می‌شود. حضرت امیرالمؤمنین به *مخنف بن قیس* مسئول زکات خویش فرمود سزاوار نیست افرادی که ساکن بلاد ما هستند، زکات مال خود را به دشمن ما بپردازند؛ زیرا این زکات صرف تجهیز لشکر و تأمین امنیت وی می‌شود (محدث نوری، ۱۳٦٦، ج۷، ص۱۰۷). این روایت همراستا با مصارف فی سبیل الله زکات است که از آن می‌توان برای ساخت پل، مدرسه یا مسجد یا جمیع راه‌های خیر استفاده نمود (روحانی، ۱٤۱۳ق، ج۷، ص۲۵۱) که منافع آن به خود مؤدی نیز می‌رسد. به علاوه که سفارش شده است زکات هر شهر ابتدا صرف مصارف همان شهر شده و در صورت اضافه آمدن به سایر شهرها حمل شود. در روایت دیگری آمده که رسول اکرم □ زکات اهل بادیه را بین اهل بادیه و اهل شهر را بین اهل شهر هزینه می‌کردند (شیخ مفید، ۱۲۷٤ق، ج۱، ص۲٦۰). این کار موجب می‌شود هزینه‌کرد زکات حداقل از طریق دو مجرای کالاهای عمومی و آثار جانبی –مثل کاهش تعداد فقرا و افزایش رفاه ساکنان شهر– تأثیر مثبتی بر خود زکات‌دهنده داشته باشد و وی را بیشتر به ادای آن تشویق نماید. برداشت دوم از انصاف هم در زکات وجود دارد. اولاً که نرخ آن اندک است؛ ثانیاً موارد تعلق آن کاملاً مشخص و برای همه یکسان است.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ترغیب اخلاقی

یکی از عواملی که در آزمایش‌های تمکین مورد بررسی قرار گرفته، ترغیب اخلاقی مؤدیان است؛ مثلاً با استفاده از پیام‌هایی چون «از خدمات ارزش‌مند حمایت کنید» که در آن نحوه هزینه‌کرد مالیات‌ها در امور ارزش‌مندی مانند کاهش فقر نشان داده می‌شود تا مؤدی با پرداخت داوطلبانه مالیات به حمایت از این خدمات تشویق شود (Slemrod et al, 2001). با وجود این هرچه اعتماد به دولت‌ها کمتر باشد، ترغیب‌های اخلاقی از این دست تأثیر کمتری خواهند داشت.

عامل ترغیب اخلاقی مورد استفاده خود قرآن نیز هست؛ چراکه دو سهم اول را متعلق به فقرا و مساکین می‌داند. کاهش فقر همان خدمت ارزش‌مندی است که دادن زکات می‌تواند به آن کمک کند. پژوهش‌های اقتصاد رفتاری نشان از ویژگی نابرابری‌گریزی انسان‌ها در آزمایش‌های اولتیماتوم و دیکتاتور دارد (Fehr & Schurtenberger, 2018). به نظر می‌رسد برای ترویج زکات، تمرکز روی این عامل کارایی بیشتری خواهد داشت.

رفتار متقابل (Reciprocity)

چاودوری (Chaudhuri, 2011) استدلال می‌کند آزمایش‌های بازی‌های کالاهای عمومی آزمایشگاهی اخیر، رفتار متقابل را به عنوان یک محرک مهم رفتار و همکاری مشروط را به عنوان یک نوع نسبتاً پایدار از ترجیحات اجتماعی شناسایی می‌کنند. همکاری‌کنندگان مشروط به شرطی با دیگران همکاری می‌کنند که آنها نیز در تدارک کالاهای عمومی آزمایشگاهی مشارکت کنند والّا خیر. در کنار آنها دو نوع بازیگر دیگر هم وجود دارد: همکاری‌کنندگان غیر مشروط که بدون توجه به مشارکت دیگران همکاری می‌کنند و سودجویان رایگان. آزمایش کالای عمومی از این جهت می‌تواند با مالیات مرتبط باشد که معمولاً از مالیات برای تأمین کالاهای عمومی استفاده می‌شود و برخی مؤدیان ممکن است همکاری‌کننده مشروط باشند؛ یعنی اگر انتظار تمکین (فرار) از دیگران داشته باشند، آنها نیز این گونه عمل می‌کنند. شواهد پیمایشی در *فری* و *تورگلر* (Frey & Torgler, 2007) مؤید این فرضیه است که نشان می‌دهد روحیه مالیاتی با فرار مالیاتی ادراک‌شده ارتباط دارد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

عمده زکات برای تأمین مالی کاهش فقر مورد استفاده قرار می‌گیرد که یک کالای عمومی است. اگر وجود این سه نوع بازیگر در جامعه اسلامی مفروض در نظر گرفته شود، برای افزایش تمکین زکات می‌توان ابتدا از افرادی شروع کرد که انتظار می‌رود همکاری‌کننده غیر مشروط باشند و سپس با ترویج این رفتار، همکاری‌کنندگان مشروط را نیز به تمکین برانگیخت. هرچند چنین روشی در فقه رایج که عمدتاً فردی و غیر حکومتی است، مورد بحث قرار نگرفته است.

عدالت رویه‌ای (procedural justice)

عدالت نقش مهمی در تمکین مالیاتی افراد دارد که یکی از ابعاد آن عدالت رویه‌ای است که به نحوه برخورد سازمان مالیاتی با مؤدیان می‌پردازد (Kirchler et al, 2008, p.219). مؤلفه‌های ضروری برای ادراک این نوع عدالت عبارت‌اند از: بی‌طرفی رویه‌ای؛ قابل اعتماد بودن مقامات مالیاتی؛ رفتار مؤدبانه، باوقار و محترمانه (Tyler & Lind, 1992). عدالت رویه‌ای درک‌شده در سطح فردی و فرهنگ تعامل برای ایجاد اعتماد مهم است. اگر مقامات و مأموران مالیاتی با مالیات‌دهندگان به طور برابر، محترمانه و مسئولانه رفتار کنند، احتمالاً اعتماد به دولت و درنتیجه تمکین داوطلبانه مالیات در سطح فردی، گروهی و اجتماعی افزایش می‌یابد.

در نامه مشهور ۲۵ **نهج‌البلاغه** خطاب به یکی از عاملان زکات، ترساندن مسلمانان، گذشتن بدون اجازه از زمین آنان، واردشدن بر خانه‌شان و بیش‌گرفتن از حقوق الهی و تفحص در اموال وی ممنوع شده است. کارگزار باید در احترام به آنان کوتاهی نکند، حیوانات را مرنجاند، رم ندهد و برای رسیدن به زکات، حیوانات را دو بخش کند و به مؤدی اجازه دهد هر بخش را که خواهد انتخاب کند و این کار را تکرار کند تا به زکات برسد و اگر مؤدی در آخر ناراضی بود، دوباره این کار را تکرار کند (دشتی، ۱۳۸۰، ص۵۰۵). همچنین طبق روایتی از رسول خدا در گرفتن زکات، اعمال خشونت، قهر، کتک، سخت‌گیری و تحمیل بیش از طاقت ممنوع است و در حدیث دیگر از سوگنددادن مردم در ادای زکات نهی شده است (قرائتی، ۱۳۸۲، ص۸۵).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

پیچیدگی و هزینه‌های تمکین

نظام‌های مالیات‌ستانی معمولاً پیچیده‌اند و درک کامل جزئیات برای اغلب مؤدیان دشوار است. این پیچیدگی می‌تواند موجب بالارفتن هزینه تشکیل پرونده و روی‌آوردن کسب و کارهای کوچک به حساب‌داران کمتر خبره یا تشکیل پرونده توسط خود آنان به‌ویژه در کشورهای کم‌درآمد شود. این کار در غالب موارد می‌تواند به گزارش درآمد کمتر از مقدار واقعی یا عدم تشکیل پرونده یا عدم انجام بموقع آن و لذا عدم تمکین منجر شود. در روش‌های مدرن مالیات‌ستانی تلاش می‌شود رویه‌ها در حد امکان ساده و قابل فهم شود و خود مأموران در صورت لزوم آموزش‌های لازم را به مؤدیان ارائه کنند.

بر خلاف مقررات مالیاتی که نوعاً دست‌خوش تغییر است، مقررات زکات در طول ۱۴۰۰ سال گذشته تغییر زیادی نکرده و حتی تا حد بسیاری بین فقها مشترک است. به علاوه نرخ آن نیز نسبتاً پایین بوده و حتی به خاطر سپردن آن برای افراد مبتلا به احکام مانند کشاورزان چندان دشوار نیست. زکات دارای سه مفهوم اصلی است: اقلام نه‌گانه‌ای که زکات بدانها تعلق می‌گیرد، شرایط تعلق زکات –مانند گذشت یک سال، حیوان کار نبودن یا دارای حد نصاب بودن– و نرخ زکات برای نصاب‌های گوناگون. در عین حال اگر خود فرد از محاسبه زکات یا استفاده از کتب احکام ناتوان باشد، می‌تواند از هر طلبه ساده‌ای مشورت بگیرد. همچنین کارگزاران زکات که برای دریافت زکات به مردم مراجعه می‌کنند نیز به‌راحتی و با سرعت می‌توانند به زکات‌دهنده مشورت بدهند؛ کاملاً بر خلاف مقررات مالیات‌های رایج که تنها از کارشناسان خبره ادارات مالیاتی یا وکلای باسابقه می‌توان مشاوره گرفت.

سایر عوامل (عمدتاً دینی)

مطالعه متون دینی نشان می‌دهد به جز عوامل پیش‌گفته، عوامل دیگری نیز هستند که بر تمکین زکات تأثیر می‌گذارند؛ اما در تمکین مالیات یا استفاده نمی‌شوند یا آنکه به نحوی متفاوت از الگوی اقتصادی تأثیر می‌گذارند که در ذیل به آنها می‌پردازیم.

به‌حرکت‌درآوردن انگیزه‌های معنوی

همچنان‌که گفته شد، زکات از جمله اعمال عبادی واجب است و برای آن وعده پاداش‌ها و مجازات‌های اخروی متعدد عظیم داده شده است. از جمله پاداش‌ها می‌توان به همراه‌شدن

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

زکات همراه با نماز در قبر با وی (بروجردی، ۱۳۸۰ق، ج۸، ص۱۹)، فرونشاندن خشم پروردگار (همان، ص۹)، دادن قصری از طلا و... به ازای هر دانه از زکات که با شرایطش داده شده باشد (همان، ص۸)، بیمه‌شدن اموال (همان، ص۲۲)، دریافت زکات توسط خود خداوند (توبه: ١٠٤)، و پاک‌شدن زکات‌دهنده (توبه: ۱۰۳) اشاره کرد. در طرف مقابل برای منکر و مانع زکات مجازات‌هایی چون داخل‌شدن در کفر (فصلت: ۷)، یکی از سه دسته‌ای که پیش از همه وارد جهنم می‌شود (بروجردی، ۱۳۸۰ق، ج۸، ص۱۷)، قبول‌نشدن نماز وی (همان، ص۷)، از آنجا که بدون اختلاف زکات و ضروریات دین است، منکر وجوب آن با علم بدان از اسلام خارج می‌شود؛ نیز هیچ مالی در خشکی و دریا نابود نمی‌شود مگر به واسطه ترک زکات (همان، ص۲۳). به علاوه وعده عذاب‌های اخروی برای تارک زکات آمده است.

پاداش‌های معنوی مثبت

هیچ گونه پاداش مادی، مثلاً کاهش زکات در سال‌های آینده، به دهنده زکات تعلق نمی‌گیرد که ممکن است به علت تخلیه انگیزشی احتمالی باشد؛ اما پاداش‌های معنوی برای فرد پیش‌بینی شده که هرچند خود جزئی از انگیزه‌های معنوی‌اند اما ملموس‌تر بوده و در کوتاه‌مدت به فرد منفعت قابل لمس می‌رسانند.

مهم‌ترین پاداش‌های زکات که در این آیات آمده است، «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَيهِمْ ۖ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (توبه: ۱۰۳) عبارت‌اند از تطهیر و تزکیه فرد به واسطه دادن زکات و نیز برخورداری از درود پیامبر که موجب آرامش فرد می‌شود. بر همین اساس است که طبق روایت «اگر چیزی را به سائل دادید، از او بخواهید که برای شما دعا کند، زیرا دعای سائل برای مُعطِی مستجاب است و برای خودش مستجاب نیست، چون [نوعاً] دروغ می‌گویند» (حر عاملی، ١٤١٤ق، ج۹، ص٤٢٤) یا طبق روایتی دیگر باید دست‌دهنده کمک به فقیر را بوسید، زیرا درواقع خداوند آن کمک را دریافت کرده است (همان، ص٤٣٣). پاداش‌های عامی که به انفاق‌کنندگان می‌رسد، شامل دهندگان زکات نیز می شود؛ مثلاً طبق آیه مبارکه «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ...» (بقره: ٢٦٥)، پاداش انفاق‌کننده برخورداری از رضایت الهی و تثبیت ملکات نفسانی در روح است که هر دو می‌تواند برای فرد قابل ادراک باشد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

در عین حال در زمان حاضر برای ترویج زکات امکان استفاده از مشوق‌های مادی-معنوی مانند فرستادن زکات‌دهندگان به سفرهای زیارتی (قاعدتاً از محلی به جز خود زکات) یا تقدیر از آنها در مراسم‌های خاص وجود دارد؛ اما پاداش‌ها باید عمدتاً معنوی باشد تا عبادی بودن زکات را تحت‌الشعاع قرار ندهد.

امکان جمع‌آوری و هزینه‌کرد زکات متناسب با ترجیحات اجتماعی

در مدل مالیات‌ستانی رایج، بین کارگزار مالیاتی و دهنده مالیات به نوعی تعارض منافع وجود دارد؛ زیرا منافع کارگزار در افزایش مالیات‌ستانی است؛ اما منفعت مؤدی در فرار مالیاتی. گاهی اوقات تلاش شده است این تعارض منافع کاهش یابد؛ مثلاً پروژه‌هایی عمومی در منطقه تعریف شده و از مؤدی خواسته می‌شود پروژه‌ای را که تمایل دارد مالیات پرداختی وی در آن هزینه شود، انتخاب کند. در این حالت رابطه بین مقام مالیاتی و مؤدی از حالت حدی «پلیس و دزد» دورتر و به حالت حدی «خدمت و مشتری» نزدیک‌تر می‌شود (Kirchler et al, 2011, p.211).

در اسلام نیز تلاش می‌شود منافع هر دو گروه همراستا شود که می‌توان آن را در دو حالتی که زکات توسط مأموران حکومتی جمع‌آوری می‌شود -مانند زمان صدر اسلام- و حالتی که به خود مؤدی اجازه هزینه‌کردن آن داده می‌شود، بررسی کرد. در حالت اول هر دو تلاش می‌کنند به بهترین وجه حق الله را از اموال خارج کرده، آن را به مصارف شرعی آن برسانند. حضرت امیر در نامه ۲۶ از کارگزارانش می‌خواهد مردم را چون برادران خود بدانند: «أَمَرَهُ أَلَّا يجْبَهَهُمْ وَ لَا يعْضَهَهُمْ وَ لَا يرْغَبَ عَنْهُمْ تَفَضُّلًا بِالْإِمَارَةِ عَلَيهِمْ، فَإِنَّهُمُ الْإِخْوَانُ فِي الدِّينِ وَ الْأَعْوَانُ عَلَى اسْتِخْرَاجِ الْحُقُوقِ» (دشتی، ۱۳۸۰، ص۵۰۶).

در حالت دوم، هر فردی در اطراف خود فقرایی دارد از والدین یا برادران و بستگان دورتر که وضعیت مالی آنها نسبت به سایرین برایش در اولویت بیشتری قرار دارند و اگر امکان کمک مالی به آنها از محل زکات وجود داشته باشد، با رغبت بیشتری به این کار اقدام می کند. طبق آموزه‌های قرآنی انفاقات مالی از والدین و بستگان شروع می‌شود: «... قُلْ ما أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيرٍ فَلِلْوالِدَينِ وَ الْأَقْرَبينَ ...» (بقره: ۲۱۵). اولویت در وصیت هم با والدین و بستگان است: «... إِنْ تَرَكَ خَيراً الْوَصِيةُ لِلْوالِدَينِ وَالْأَقْرَبينَ بِالْمَعْرُوفِ...» (بقره: ۱۸۰). البته از سهم فقرا

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

و مساکین نمی‌توان به والدین زکات داد؛ چراکه نفقه‌شان به لحاظ شرعی بر عهده دهنده زکات است؛ اما امکان کمک به آنها از سایر سهم‌ها وجود دارد؛ مثلاً اگر پدر فرد از پرداخت بدهی‌های خود ناتوان است، می‌تواند از محل سهم غارمین بدهی‌های وی را پرداخت نماید یا از سهم فی سبیل الله برای ازدواج فرزندش هزینه کند. اما در مورد بستگان دورتر که نفقه‌شان بر عهده مؤدی نیست، پرداخت زکات به خویشاوندان فقیر اولویت دارد (مدرسی، ۱۳۸۱، ص۵۰۵-۵۰۶).

تأثیر هویت گروهی بر تمکین

ویژگی‌های اجتماعی از جمله داشتن حس تعلق به گروهی با شأن اجتماعی بالا (هویت گروهی) می‌تواند احساس فرد از خود را تقویت کند (Tajfel & Turner, 1979) و بر تصمیم‌گیری‌های وی در موقعیت‌هایی مانند همکاری، اعتماد، و هماهنگی تأثیر بگذارد (Chen & Li, 2009). هویت در زمان‌های درگیری کشور در جنگ برجسته‌تر می‌شود؛ اما در هر زمان دیگری هم می‌تواند با تلنگرهای طراحی‌شده برجسته شود. *کنراد و قاری* (Konrad & Qari, 2012) با استفاده از تحلیل تجربی داده‌های برگرفته از برنامه پیمایش اجتماعی بین المللی، پیوندی قوی بین میهن‌پرستی و تمکین مالیاتی پیدا کردند. *اسلمرود* تأثیر ملی‌گرایی بر مالیات را مورد بحث قرار می‌دهد. نویسنده خاطرنشان می‌کند توسل به میهن‌پرستی در زمان جنگ برای تأمین مالی نیروهای مسلح مورد استفاده قرار می‌گیرد (Slemrod, 2007, p.40).

یکی از شیوه‌های اصلی‌ای که اسلام برای تمکین به زکات استفاده می‌کند، تعمیق هویت اسلامی در افراد و سپس شناساندن زکات به عنوان یکی از ارکان دین اسلام است. این کار موجب می‌شود به مسلمانی که زکات نمی‌دهد، احساس بی‌هویتی دست بدهد که از بالاترین مجازات‌های درونی است. در این صورت در زمان اخذ زکات کافی است کارگزاران مالیاتی روی هویت دینی افراد مانور دهند و آن را به افراد متذکر شوند؛ برای مثال حضرت امیرالمؤمنین در نامه به کارگزار خود برای جمع‌آوری مالیات از وی می‌خواهد خود را این گونه معرفی کند: «عِبَادَ اللَّهِ أَرْسَلَنِی إِلَیکُمْ وَلِی اللَّهِ وَ خَلِیفَتُهُ لِآخُذَ مِنْکُمْ حَقَّ اللَّهِ فِی أَمْوَالِکُمْ، فَهَلْ لِلَّهِ فِی أَمْوَالِکُمْ مِنْ حَقٍّ فَتُؤَدُّوهُ إِلَی وَلِیهِ؟» (نهج‌البلاغه، نامه ۲۵). در نامه ۲۶ که آن نیز

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

خطاب به کارگزار زکات نوشته شده، در عباراتی همچون کتاب الله، سنت رسول الله، امر الله و تقوی الله محوریت خداوند و هویت دینی به چشم می‌خورد. این گونه عبارات واردکردن مستقیم تلنگر به هویت اسلامی افراد است.

شناساندن زکات به عنوان یکی از ارکان دین به بهترین وجه در قرآن انجام گرفته است؛ چراکه اکثر اوقات در کنار اقامه نماز از ایتای زکات هم یاد شده است؛ مثلاً تنها زمانی اسلام آوردن کفار قابل پذیرش است که توبه کنند و به‌جای‌آوردن نمازشان مقرون با دادن زکات باشد: «... فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ ...» (توبه: ۵). این بحث در حسابداری ذهنی مفصل‌تر بیان می‌شود.

در گام سوم برای آنکه زکات به دست مؤسسه تقسیم‌کننده آن برسد (امام المسلمین یا حاکم منسوب وی)، باید اعتماد افراد را جلب نمود که از طریق عدالت رویه‌ای انجام می گیرد. چه بسا افراد به دلیل بی‌اعتمادی به این موسسات مثلاً در اطمینان‌نداشتن از نحوه هزینه‌کرد آن طبق آموزه‌های دینی از دادن زکات امتناع کنند. در این زمینه کارگزار حضرت مکلف می‌شود به مردم اعلام کند این حق به دست ولی و خلیفه خدا می‌رسد؛ همچنین در نامه ۲۵، عامل خود را به تقوای الهی در سر و علن سفارش می‌کنند و اینکه اموال جمع‌آوری شده را برای انتقال به بیت‌المال به کسی بسپارد که به دین و دلسوزی وی نسبت به مال مسلمین اطمینان دارد (دشتی، ۱۳۸۰، ص۵۰۷) که حکمت آن می‌تواند اشاره به اهمیت ایجاد اعتماد به مؤسسات گیرنده زکات باشد.

ایجاد حسابداری ذهنی در مؤدیان زکات

حسابداری ذهنی «[...] مجموعه‌ای از عملیات شناختی است که افراد و خانواده‌ها برای سازماندهی، ارزیابی و پیگیری فعالیت‌های مالی استفاده می‌کنند» (Thaler, 1999, p.183). انسان واقعی بر خلاف انسان نئوکلاسیکی که همه پول‌ها را یک کاسه می‌بیند، برای مقابله با محدودیت‌های شناختی و اراده‌ای خود، درآمدها و هزینه‌ها را در حساب‌های ذهنی مختلف گروه‌بندی می‌کند. متعهدشدن به بودجه‌های مشخص برای «غذا»، «لباس»، «مسافرت» و... به کنترل فرد بر هزینه‌ها کمک می‌کند. *موهلباخر* و همکاران (Muehlbacher et al, 2017) نشان

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

می‌دهند که افراد خوداشتغالی که در ابتدای اشتغال خود قرار دارند، در صورت استفاده از حسابداری ذهنی، تمکین مالیاتی بالاتری دارند.

در کنار تلاش برای تعمیق هویت دینی و معرفی زکات به عنوان یکی از ارکان دین، فعالیت سومی که باعث راحت‌ترشدن ادای زکات می‌شود، واردکردن آن در حسابداری ذهنی افراد است؛ به گونه‌ای که در ذهن افراد زکات به عنوان حق اللهی شناخته شود که باید به اذن یا توسط امام و نواب وی در سهم‌های هشت‌گانه آن هزینه شود و در غیر این صورت مؤدی حق تصرف در آن را ندارد. در این صورت وسوسه‌ها بسیار کم خواهد شد. ایجاد این حسابداری ذهنی از طرق گوناگونی انجام می‌شود که پرداختن به آن در نظام تربیت اقتصادی اسلام می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی قرار گیرد. با وجود این به برخی از آنها اشاره می شود:

۱) زکات در اموال به عنوان حق واجب، حق‌الله، حق مستمندان و نظیر آن معرفی می‌شود –مثلاً حق الله در نامه ۲۵ **نهج‌البلاغه**. در این صورت کاربرد پرتکرار واژه حق موجب ایجاد حسابداری ذهنی در فرد می‌شود که اگر آن حق را ادا نکند، دچار معصیت و ظلم شده است.

۲) دایره زکات در ادبیات دینی گسترده‌تر از زکات واجب و حتی انفاقات مالی است؛ برای مثال *امام صادق* □ در روایتی بر هر عضوی از بدن از جمله چشم، گوش، زبان، دست و پا زکاتی را واجب می‌دانند؛ همچنین هر کدام از نعمت‌های الهی به انسان نظیر علم، قدرت، زیبایی، پیروزی، شجاعت، سلامتی، حکومت و عقل نیز دارای زکات خاص خود شمرده می شوند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸٦، ج۵، ص۲٤–۲٦).

۳) شبکه‌کردن زکات با واژگانی که برای فرد ایجاد تعهد مالی می‌کند؛ مثلاً این حکم که «فردی که پرداخت زکات را به تأخیر اندازد، در صورت تلف‌شدن محصول، ضامن است» (مدرسی، ۱۳۸۱، ص٤۹۷)؛ همچنین وجود این حق برای متولی زکات که آن را از مالک مطالبه نماید (همان، ص٤۹۸). جداکردن زکات از مال واجب فوری است و در صورتی که انجام نشود، مؤدی علاوه بر گناهکاربودن حق تصرف در اموال مخلوط به مال غیر را ندارد.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

انواع دیگر تلنگرها در پرداخت زکات

– در اسلام از یک طرف خارج‌کردن زکات از مال واجب فوری است و از طرف دیگر ممکن است مؤدی امکانات رساندن زکات به اهلش (امام المسلمین یا فقرا و ...) مانند اطلاعات لازم یا وسیله حمل را در اختیار نداشته باشد. در این حالت‌ها بر حاکم اسلامی است که مأموران خود را سراغ زکات‌دهندگان بفرستد که خود نوعی زدن تلنگر برای به‌تأخیرنیفتادن ادای زکات از وقت آن نیز هست؛ در حالی که در مالیات رایج، مؤدی موظف است مالیات خود را در سر موعد بپردازد؛ حتی اگر دولت از وی مطالبه ننماید.

– طبق برخی تفاسیر حق در آیه «وَ آتُوا حَقَّهُ یوْمَ حَصادِهِ» (انعام: ۱٤۱) زکات است. در این صورت فقرا و مستحقین زکات می‌توانند برای دریافت زکات خود سراغ کشاورز بروند. به همین دلیل نیز در روایتی بر اساس واژه یوم از برداشت شبانه محصول نهی شده که مبادا فقرا از حق خود محروم بمانند (بروجردی، ۱۳۸۰ق، ج۸، ص۱۳۸).

– یکی دیگر از تلنگرها تأثیر همتایان بر پرداخت زکات است. سفارش شده که امور واجب که در آنها ریا موضوعیت ندارد، به صورت علنی انجام شوند تا موجب تشویق هم خود زکات‌دهنده و هم سایر مسلمانان شود. واضح است که در این حالت باید دادن زکات در جامعه به عنوان معروف شناخته شده باشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه در سه بخش قبل گذشت، اکنون نوبت به مقایسه روش جمع‌آوری مالیات در الگوی اقتصادی و الگوی اسلامی می‌رسد.

مدل اقتصاد رایج –تا حدی مبتنی بر مجرم‌انگاری مؤدیان: متغیرهایی چون نرخ مالیات تنها نرخی است که در هر دو تا حدی شبیه به هم عمل می‌کند. در مدل مدرن، افزایش نرخ مالیات موجب افزایش فرار مالیاتی می‌شود. اسلام هم نرخ زکات پایینی در نظر گرفته است. اما بقیه متغیرها از جمله نرخ حسابرسی، مجازات و پاداش مادی، گزارش‌های شخص ثالث و شیوه پاداش‌دادن به عاملان عمدتاً غیرمشابه‌اند. در عین حال اسلام به گونه‌ای نرخ زکات را وضع نموده که مشوق تلاش بیشتر باشد (کاهشی‌بودن نرخ نهایی زکات در مورد انعام ثلاثه یا نرخ زکات پایین‌تر زراعت آبی).

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

مدل اقتصاد رفتاری: در این زمینه مشابهت بیشتری بین دو الگو به چشم می‌خورد. الگوی زکات فاقد پیچیدگی قابل توجه بوده، از سوگیری‌های شناختی در انتقال پیام‌های مالیاتی استفاده می‌کند، به انواع انصاف و عدالت (نسبت به دولت، نسبت به سایر مؤدیان و رویه‌ای) اهمیت می‌دهد و از مجازات روانی و اجتماعی برای عدم تمکین استفاده می‌کند. انسان‌های واقعی نابرابری‌گریزند؛ لذا برای کاهش فقر حاضر به دادن مالیات‌اند. درمجموع عواملی غیر از منفعت‌طلبی شخصی در تمکین دخیل است.

سایر عوامل (عمدتاً دینی): در عین حال نظام زکات دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است؛ از جمله امکان هزینه‌کرد طبق ترجیحات اجتماعی مؤدی، استفاده گسترده از حسابداری ذهنی، ابتنا بر هویت دینی و درنظرگرفتن پاداش‌ها و مجازات‌های معنوی و اخروی گسترده برای بشارت و انذاردادن مؤدی. اکثر این متغیرها مبتنی بر ایمان فرد تعریف می‌شوند.

نکته مهم‌تر در تفاوت این دو رویکرد در اولویت‌دادن به عوامل مختلف است. در الگوی رایج، انسان‌ها اصالتاً منفعت‌طلب بوده، تلاش می‌کنند از دادن مالیات طفره بروند؛ در عین حال دارای برخی ویژگی‌های مطلوب انسانی (انصاف، نابرابری‌گریزی، رفتار متقابل، دیگرخواهی و...) نیز هستند که موجب تمکین واقعی بالاتر نسبت به پیش‌بینی الگوی رایج می‌شود. بر همین اساس در الگوهای تشویق تمکین ابتدا مقدار بهینه مجازات‌ها، نرخ حسابرسی و مانند آن تعیین شده و سپس تلاش می‌شود بر اساس ویژگی‌های انسان واقعی تلنگرهایی برای بهبود تمکین طراحی شود (هرچند امکان تأثیر متغیرهای دو رویکرد روی یکدیگر وجود دارد؛ مثلاً اثر نامطلوب تخلیه انگیزشی). در مقابل در الگوی اسلامی-که می توان آن را مبتنی بر نگاه کریمانه به انسان در مقابل نگاه مجرمانه به انسان در رویکرد نئوکلاسیکی در نظر گرفت- نظام زکات به گونه‌ای طراحی شده که گویی انسان اساساً منفعت‌طلب نیست؛ چراکه در آن خبر چندانی از مجازات و پاداش مادی یا حسابرسی اموال نیست. ادای زکات در ابتدا رابطه انسان را با خالق خویش تنظیم می‌کند؛ چراکه موجب کسب رضوان الهی می‌شود و در مرحله بعد موجب پاک‌شدن روح انسان و اموال وی و در مرحله بعدتر موجب بهبود وضعیت فقرا و سایر نیازمندان می‌شود. به بیان دیگر نظام زکات به گونه‌ای طراحی شده که حس کرامت انسانی و الهی به فرد داده شود. در عین حال برای راحت‌ترکردن تمکین زکات، از فضایل انسانی مانند نابرابری‌گریزی، انصاف، رفتار متقابل و

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

ترجیحات دیگرخواهانه هم کمک گرفته می‌شود؛ اما این به معنای فراموش‌کردن گرایش‌های منفعت‌طلبانه وی نیست که طبق آن نرخ زکات اندک بوده و مشوق تلاش بیشتر (تبدیل مسکوکات به دارایی‌های مولد، نرخ زکات پایین‌تر زراعت آبی و کاهشی‌بودن نرخ نهایی زکات انعام ثلاث) است.

بر همین اساس هر برنامه ترویج زکات باید بیشترین تکیه را بر ایمان افراد (کسب رضایت الهی) و آثار مثبت زکات بر پاکی روح و مال فرد بگذارد و سپس بر فضایل انسانی همچون کمک به فقرا. اما دادن پاداش‌های مادی در الگوی اسلامی وجود ندارد، مگر آنکه تبدیل به پاداش معنوی شود- مثلاً زیارت عتبات.

در مورد مجازات‌های مادی گفتنی است که هرچند امکان تعزیر وجود دارد، الزاماً به معنای ثمربخش‌بودن آن نیست. قاعده «التعزیر بید الحاکم»، اشاره به مصلحت‌سنجی در اِعمال آن و به‌کارگیری انواع آن و حتی نوآوری در شیوه‌های جدید تعزیر دارد؛ به‌ویژه در زمان حاضر که پرداخت خمس و زکات هنجار و معروف اجتماعی نیست. به خلاف صدر اسلام که مقام نظر اسلامی با مقام عمل یکسان بوده و روایات عمدتاً ناظر به مقام عمل صادر شده‌اند. بنابراین برای تبدیل این دو به معروف و هنجار، پژوهش در فقه اجتماعی و حکومتی در کنار مطالعات میدانی لازم است.

منابع و مآخذ

۱. بحرینی یزدی، حسین و محمود عیسوی؛ «مبانی نظری و اصول اخذ مالیات در اسلام و جایگاه آن در تشکیل نظام مالیاتی نوین»؛ **ماهنامه معرفت**، ش۲۱۸، ۱۳۹٤.

۲. بروجردی، سیدحسین؛ **جامع احادیث الشیعه فی احکام الشریعه**؛ تهران: مطبعه المساحه، ۱۳۸۰ق.

۳. توکلی، محمدجواد؛ «انگیزش و تربیت اخلاقی در نظام مالیاتی اسلام»، **پژوهشنامه مالیات**، ش۸۰، ۱۳۹۵.

٤. دشتی، محمد؛ **نهج البلاغه**؛ قم: انتشارات مشهور، ۱۳۸۰.

۵. روحانی، سیدمحمدصادق؛ **فقه الصادق**؛ قم: مؤسسه دار الکتاب، ۱٤۱۳ق.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

٦. شیخ مفید، محمد بن محمد؛ **المقنعه**؛ [بی‌جا]: دارالطباعه محمد تقی بن محمد مهدی التبریزی، ١٢٧٤ق.

٧. صامتی، مجید، هادی امیری و زهرا حیدری؛ «تأثیر اخلاق مالیاتی بر تمکین مالیاتی، مطالعه موردی شهر اصفهان»؛ **فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی**، ش٧٥، ١٣٩٤.

٨. قرائتی، محسن؛ **خمس و زکات**؛ تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن، ١٣٨٢.

٩. کلینی، محمد بن یعقوب؛ **اصول کافی**؛ ترجمه محمدباقر کمره‌ای؛ تهران: اسوه، ١٣٧٢.

١٠. محقق حلی، جعفر بن حسن؛ **شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام**؛ تهران: استقلال، ١٤٠٩ق.

١١. محدث نوری، حسین بن محمدتقی؛ **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**؛ قم: موسسه آل البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، ١٣٦٦.

١٢. محمدی ری شهری، محمد؛ **میزان الحکمه**؛ قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ١٣٨٦.

١٣. مدرسی، سیدمحمدتقی؛ الفقه الاسلامی: احکام عبادات؛ تهران: محبان الحسین علیه‌السلام، ١٣٨١.

14. Allingham, Michael and Agnar Sandmo; "Income tax evasion: a theoretical analysis"; **Journal of Public Economics**, Vol.1, No.3-4, 1972.

15. Alm, James; "Tax compliance and administration"; **Public Administration and Public Policy**, Vol.7, No.2, 1999.

16. Alm, James, Betty R. Jackson, and Michael McKee; "Fiscal exchange, collective decision institutions and tax compliance"; **Journal of Economic Behavior & Organization**, 22(3), 1993.

17. Alm, James, Betty R. Jackson and Michael McKee; "Deterrence and Beyond: Toward a Kinder, Gentler IRS", In J. Slemrod (Ed.); **Why people pay taxes**: Tax compliance and enforcement, Ann Arbor, MI: The University of Michigan Press, 1992.

18. Alstadsaeter, Annette, Wojciech Kopczuk & Kjetil Telle; "Social networks and tax avoidance: evidence from a welled-fined

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

Norwegian tax shelter"; **Mimeo**, University of Oslo, Columbia University, and Statistics Norway, 2014

19. Andreoni, James, Brian Erard and Jonathan Feinstein; "Tax compliance"; **Journal of Economic Literature**, 36(2), 1998.
20. Becker, Gary S; "Crime and punishment: an economic approach"; **Journal of Political Economy**, Vol.76, No.2, 1968.
21. Carrillo, Paul E, Edgar Castro and Carlos Scartascini; "Do rewards work to maintain and increase tax compliance? Evidence from the randomization of public goods"; **World Bank ABCDE 2016 Conference**, World Bank, Washington, DC, 2016.
22. Chaudhuri, Ananish; "Sustaining cooperation in laboratory public goods experiments: a selective survey of literature"; **Experimental Economics**, Vol.14, No.1, 2011.
23. Chen, Yan, and Sherry Xin Li; "Group-identity and social preferences"; **American Economic Review**, 99(1), 2009.
24. Congdon, W. J, R. K. Jeffrey and S. Mullainathan; **Policy and Choice**: Public Finance through the Lens of Behavioral Economics; Washington D.C: The Brookings Institution Press, 2011.
25. Coricelli, Giorgio, Mateus Joffily, Claude Montmarquette & Marie Claire Villeval; "Cheating, emotions, and rationality: an experiment on tax evasion"; **Experimental Economics**, Vol.13, No.2, 2010.
26. Cummings, Ronald G, Jorge Martinez-Vazquez, Michael McKee, & Benno Torgler; "Tax morale affects tax compliance: evidence from surveys and an artefactual field experiment"; **Journal of Economic Behavior & Organization**, 70(3), 2009.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

27. Dunning, Thad, Felipe Monestier, Rafael Pineiro, Fernando Rosenblatt, and Guadalupe Tunon; "Is paying taxes habit forming? Experimental evidence from Uruguay"; **Mimeo**, 2016.

28. Fehr, Ernst, & Ivo Schurtenberger; "Normative foundations of human cooperation"; **Nature of Human Behaviour**, 22, 2018.

29. Fjeldstad, Odd-helge, and Joseph Semboja; "Why people pay taxes: the case of the development levy in Tanzania"; **World Development,** 29, 2001.

30. Frey, Bruno S, and Reto Jegen; "Motivation Crowding Theory"; **Journal of Economic Surveys**, 15(5), 2001.

31.Frey Bruno S. and Torgler Benno; "Tax morale and conditional cooperation", **Journal of Comparative Economics**, Vol. 35, No. 1, 2007.

32. Hashimzade Nigar, Gareth Myles, and Binh Tran-Nam; "Application of behavioural economics to tax evasion"; **Journal of Economic Surveys**, 27(5), 2012.

33. Khan, Adnan Q, Asim I. Khwaja, and Benjamin A. Olken; "Tax farming redux: experimental evidence on performance pay for tax collectors"; **Quarterly Journal of Economics**, 131(1), 2016.

34. Kleven, Henrik Jacobsen, Martin B. Knudsen, Claus Thustrup Kreiner, Søren Pedersen, & Emmanuel Saez; "Unwilling or unable to cheat? Evidence from a tax audit experiment in Denmark"; **Econometrica**, 79(3), 2011.

35. Kirchler, Erich, Erik Hoelzl, & Ingrid Wahl; "Enforced versus voluntary tax compliance: The slippery slope framework"; **Journal of Economic Psychology,** Vol.29, No.2, 2008.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

36. Konrad, Kai A, Tim Lohse, and Salmai Qari; "Customs Compliance and the Power of Imagination"; **CESifo Working Paper**, No.3702, 2012.

37. Konrad, Kai A. and Salmai Qari; "The Last Refuge of a Scoundrel? Patriotism and Tax Compliance"; **Economica**, Vol.79, No.315, 2012.

38. Luttmer, Erzo F. P. and Monica Singhal; "Tax morale"; **Journal of Economic Perspectives**, 28(4), 2014.

39. Muehlbacher, Stephan, Barbara Hartl, and Erich Kirchler; "Mental accounting and tax compliance: experimental evidence for the effect of mental segregation of tax due and revenue on compliance"; **Public Finance Review**, 45(1), 2017.

40. Ortega, Daniel, and Carlos Scartascini; "Don't blame the messenger: a field experiment on delivery methods for increasing tax compliance"; **Mimeo**, Inter-American Development Bank, 2016a.

41. Ortega, Daniel, and Carlos Scartascini; "Who's calling? The effect of phone calls as a deterrence mechanism"; **Mimeo**, Inter-American Development Bank, 2016b.

42. Slemrod Joel; "Cheating Ourselves: The Economics of Tax Evasion"; **Journal of Economic Perspectives**, Vol.21, No.1, 2007.

43. Slemrod, Joel, Marsha Blumenthal, and Charles Christian; "Taxpayer response to an increased probability of audit: evidence from a controlled experiment in Minnesota"; **Journal of Public Economics**, 79(3), 2001.

44. Spicer, Michael W. and J. Everett Thomas; "Audit probabilities and the tax evasion decision: an experimental approach"; **Journal of Economic Psychology**, 2(3), 1982.

Archive of SID.ir

Archive of SID.ir

45. Tajfel, Henry, and John Turner; “An integrative theory of intergroup conflict”; **The social psychology of intergroup relations**, 33(47), 1979.

46. Thaler, Richard H; “Mental Accounting Matters”; **Journal of Behavioral Decision Making**, Vol.12, Issue3, 1999.

47. Tyler, Tom & Allan Lind; “A relational model of authority in groups”; **Advances in Experimental Social Psychology**, Vol.25, San Diego, CA: Academic Press, 1992.

48. Yitzhaki, Shlomo; “A note on Income tax evasion: A theoretical analysis”; **Journal of Public Economics**, Vol.3, No.2, 1974.

Archive of SID.ir